



دوقطبی سازی کاذب در انتخابات‌ها یکی از ابزارهای جریان تحریف است

ناصر ایمانی، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:



هنوز این جریان زنده است. اگر توانستیم این جریان را شکست دهیم، تحریف را هم شکست می‌دهیم؛ یعنی این جریان فعال و زنده است. اما خوب در مقطعی این جریان نمی‌تواند تاثیرگذاری داشته باشد همانند دوم اسفند ۹۸. بنابراین باید تاکید کنم اینکه درباره انتخابات‌های ایران بیان کنیم جریان تحریف برای ما مجلس و رئیس‌جمهور تعیین می‌کند، بدین معناست که ما کارهای نیستیم و انقلاب مرده است.

جریان تحریف به دنبال سست کردن اراده مدیران و مردم است؛ جریان تحریف می‌خواهد همه مردم را مقابل مذهبیین قرار دهد

هر قدر شکل‌گیری دوقطبی‌هایی که جریان تحریف در آن موثر است کمتر در آن دیده شود، یعنی جریان انقلاب صحیح‌تر عمل کرده است؟

شکی در این نیست. باید این بحث به میان بیاید که جریان تحریف برای کار خود چه ابزاری دارد. جنگ اراده‌ها، رسانه‌ها، تبلیغات و... است. جریان تحریف تلاش دارد اراده‌ها را سست کند، ناامیدی مردم را افزایش دهد که این تاثیرگذاری در مدیران و عامه مردم و نخبگان و سلبریتی‌هاست. این بحث مفصلی است. یکی از موارد دوقطبی سازی است. این دوقطبی سازی تنها در انتخابات نیست، بلکه در همه زمینه‌ها و مقاطع است. اکنون نیز این دوقطبی وجود دارد. بدین مذهبیین و عامه مردم دوقطبی سازی می‌شود و این جنگ رسانه‌ای است. باید بررسی شود که جنگ رسانه‌ای آنها چه ابزاری دارد که می‌تواند منجر به خستگی مردم و ناامید شدن آنها شود و اراده‌های مردم را سست کند. اجملای یکی از ابزارهای تحریف، دوقطبی سازی است.

این کار دست به اقداماتی می‌زنند که دهان مردم از تعجب باز می‌ماند. مردم می‌پرسند چطور این افراد حاضر هستند با جریان دشمن هم‌آوا شوند؟ خلاصه اینکه این جریان شامل طیف‌هایی است که با انگیزه‌های مختلف این کار را می‌کنند که البته خروجی همه آنها یکسان و در واقع همراهی با دشمن است.

قبول دارید یکی دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس گذشته را با همین مساله درگیر بودیم؟ یعنی جریان تحریف تلاش کرده سیاست خارجی را مساله اصلی مردم معرفی کند. احتمال دارد همین فرآیند در انتخابات ۱۴۰۰ حاکم شود؟

من نمی‌خواهم بگویم در گذشته جریان تحریف تاثیر موثری در انتخابات ریاست جمهوری ما گذاشته است، چرا که این حرف هزینه‌های سیاسی سنگینی دارد. به عبارت دیگر قبول آن بدین معناست که پذیرفته‌ایم خارج در انتخابات ریاست جمهوری ما نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. سال ۲۹ را بخوایم تحلیل کنیم، موارد متعددی در آن تاثیرگذار بود. البته نمی‌خواهم نقش رسانه‌های غرب و نقش تحریف را نادیده بگیرم، بحث بر سر میزان تاثیرگذاری است. آیا جریان تحریف در سال ۲۹ به اندازه‌ای بود که بتواند برای ایران رئیس‌جمهور تعیین کند؟ اگر این امر را بپذیریم، تبعات دیگر را نیز باید بپذیریم؛ به این معنا که در داخل هیچ نیرویی این میزان موثر نیست که خارج می‌تواند برای ایران رئیس‌جمهور تعیین کند.

جریان تحریف از خارج سرمنشأ می‌گیرد جریان تحریف نیروهای داخلی دارد!

در اینکه این جریان اقدامات بعضاً موثری دارد، شکی نیست و اینکه در انتخابات‌های مختلف هم حضور داشته و موثر است هم می‌تواند صحیح باشد. همان‌طور که هر جریانیه هم‌تلاش می‌کند بیشترین تاثیر را در انتخابات ایران داشته باشد. همه عوامل موثر بر افکار عمومی مردم در هر انتخاباتی اعمال نیروهای داخلی و بیرونی تلاشی می‌کنند بیشترین تاثیر را در انتخابات داشته باشند.

امکان‌پذیر نخواهد بود و لذا عمده درگیری ما درگیری اراده‌ها است و هر کسی بتواند اراده خود را حاکم کند، پیروز شده است. علاوه بر این معتقدم جنگ تحریف که سال‌هاست وجود دارد و هر بار هم تشدید می‌شود، حداقل دو جنبه مهم دارد: یکی به لحاظ فعالیت نیروهای خارجی و دیگری جریانی که در داخل فعال است. جبهه خارجی این ماجرا مربوط به هدایت‌هایی است که از سوی نیروهای ضدانقلاب انجام می‌شود. دیگری نیز از داخل کشور است که افراد و شبکه‌های مجازی داخلی نیز در همان راستای دشمنان خارجی، خواسته‌ها یا ناخواسته به فرآیند دشمن کمک می‌کنند تا تحریف را غالب کنند.

تحریف برای شکست رقیب برخی از تلاش‌های این جریان به دلیل برداشت منافع داخلی خود در مواجهه با رقبا است. آیا این ادعای درستی است؟

بله، این موضوع در داخل جریان تحریف وجود دارد، اما نکته اینجاست که طیف‌های گوناگونی در این جریان فعال هستند. برخی هستند که اساساً با مبانی این نظام و حکومت مخالف هستند، بنابراین در مقاطع مختلف به آن جریان غرب اگر بتوانند کمک می‌کنند. از طرف دیگر برخی از داخلی‌ها به خاطر حسادت، کینه و دلخواهی از یک طیف دیگر در داخل کشور یا دشمن هم‌آوا می‌شوند تا مقابل طیف رقیب خود سرگردنی بکشند. مثلاً فردی با یک رسانه ضدانقلاب در خارج از کشور مصاحبه می‌کند، با وجود اینکه می‌داند معنای این امر چیست، ولی برای کم‌نیاروندن در رقابت‌های داخلی خودزنی کرده و با دشمن همراه می‌شود. اطلاع دارد که این رسانه دشمن است، ولی برای نشان دادن قدرت و ارزش خود در مقابل جریان‌های رقیب داخلی خودزنی سیاسی می‌کند.

هرکدام از این افراد انگیزه‌های مختلفی دارند و برخی به لحاظ فکری با جریان تحریف غرب هم‌آوا هستند، لذا معتقدم طیف‌های مختلفی در داخل وجود دارد. مثلاً یک گروه، آنها می‌پندارند که اعتقادی به نظام و حکومت در ایران ندارند و تلاش دارند سیستم غرب بر کشور حاکم شود و گروهی دیگر هم طیف‌هایی هستند که می‌خواهند اعتبار سیاسی خود را در داخل بالا ببرند و برای

رهبر انقلاب صبح روز گذشته و در جریان سخنرانی به مناسبت عید قربان از چالشی به نام جریان تحریف در کشور نام بردند و تاکید کردند اگر بتوان بر این جریان فاتح آمد، آنگاه تحریف‌ها شکسته خواهند شد. در این خصوص با ناصر ایمانی، کارشناس و پژوهشگر مسائل سیاسی به گفت‌وگو نشستیم و نظر او را در این خصوص جویا شدیم.

آنچه در ادامه از نظر می‌گذرد، مشروح این گفت‌وگو است.

از دیدگاه شما واقعتاً مربوط به جریان تحریف در کشور چیست و این جریان چگونه تلاش می‌کند به اهداف خود برسد؟

مطلبی که رهبری اشاره کردند، در واقع به تعبیری همان مساله جنگ رسانه‌ها و روانی است که در همه درگیری‌ها ام‌ا‌ع‌ا درگیری‌های فیزیکی در جهان و غیرنظامی این مساله جنگ رسانه‌ها وجود دارد. در مورد جمهوری اسلامی ایران در این مقطع این جنگ شدیدتر شده است. ما الان با همه شدید رسانه‌ای مواجه هستیم. تفاوتی که این جنگ رسانه‌ای با گذشته دارد، روشن، آشکار و صریح بودن امروز آن است. در جنگ‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای در گذشته معمولاً طرف متخاصم اهداف خود را در پوشش‌هایی پنهان می‌کرد که عمدتاً پوشش‌های خیرخواهانه بود و الان این پوشش‌ها وجود ندارد، یعنی با صراحت جنگ رسانه‌ای سنگینی علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌کند و هر قدر بیشتر در اهداف جنگ تحمیلی خود یا در جنگ رودر روی خود شکست بخورد، آن جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای را شدیدتر می‌کند. گسترش شایعات، ناامن کردن روان مردم، دلسرد و ناامید کردن مردم از وضعیت فعلی و آینده، مقایسه کشور با کشورهای دیگر و حتی با قبل از انقلاب و... انواع ترغندها هستند و می‌خواهند مردم را به لحاظ روانی خسته کنند. حتی کسانی که معتقد به نظام هستند، ریزد چار شویوش فکری و روحی می‌کنند که این مسیر درست است یا خیر. به تردید انداختن برای دشمن کافی است. معتقدم در این جنگ اراده‌ها حرف اول را می‌زنند. باید الان دقت کرد که چه کسی اراده قوی‌تری دارد. در دوران کنونی وقوع جنگ نظامی با ایران

علیرضا شیخ‌عطار، سفیر سابق ایران در آلمان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

می‌خواهند دو کرات‌ها را بزرگ کنند جریان تحریف به جنگ گفتمان امام آمده است

جریان تحریف به جنگ گفتمان امام آمده است وقتی چنین شود تحریف زود جواب می‌دهد و اهداف تحریف سریع‌تر حاصل می‌شود که در این شرایط روحیه ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی که میراث امام بود و موجب الهام‌بخشی نظریات جمهوری اسلامی در جهان شد، از بین خواهد رفت. مذاکره یک بخش جزئی از این تسلیم شدن است. متوقف شدن پیشرفت و تعالی، تغییر اندیشه‌های پایه‌ای، باج دادن به دستمگر از ابعاد دیگر تسلیم شدن است و این اسبابی برای استمرار نظام سلطه در جهان می‌شود که امروز از اهداف قدرت‌هاست و هدف فلسفه سیاسی جهان، هدف نگاه‌های سیاستمداران است.

بزرگ کردن دموکرات‌ها توسط جریان اصلاح‌طلبی و احمدی‌نژادی مصداق تحریف است

برخی از جمله جریان اصلاح‌طلبی و احمدی‌نژادی در داخل سعی دارند با توجه به صحبت‌های بایان خط دموکرات‌ها را از جمهوری خواهان جدا کنند و بنوعی با بزرگ کردن آمریکا این را مطرح کنند که می‌توان با چنین کشوری مذاکره کرد. ارزیابی شما در این زمینه چیست؟

این هم از مصداق تحریف است، یعنی در واقع واقعیت‌های تئوریک نظام سلطه و به خصوص آمریکا را جواری نشان می‌دهند که انگار در آن مرکز سلطه نوع و سلیقه و نگاه وجود دارد که یکی انسانی‌تر و معتقد به همکاری با جهانیان است و دیگری معتقد به زورگویی است. این اشتباه است و اگر کسی کمی مطالعه سیاسی داشته باشد می‌فهمد این حرف نادرست است.

نحوه به وجود آمدن آمریکا از زمان جورج واشنگتن تا بعد از جنگ جهانی دوم مبتنی بر این بود که هر حزب و گروه و قدرتی در آنجا به دنبال قدرتمند کردن آمریکا بود. قدرتمند کردن به‌شکلی که آنها بیان می‌کنند یعنی قدرت مادی و مبتنی بر اقتصاد و نظامی‌گری بدون ایجاد زبان برای دیگران امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر کدام شخصیت آمریکایی می‌گوید آمریکا قدرتمند نباشد؟ ترامپ این را شعار انتخاباتی قرار می‌دهد و دیگری می‌گوید این امر واضحی است که آمریکا رهبر جهان است. این در روسای جمهور معاصر از زمان جورج واشنگتن وجود داشته است، لذا کسی سواد سیاسی داشته باشد این تفکیک را قائل نمی‌شود که بین دموکرات و جمهوری خواه تفاوت است.

بمب اتم را دموکرات‌ها روی هیروشیما انداختند

دموکرات‌ها مگر در دوره‌هایی که حاکم بودند روش‌های انسانی به کار بردند؟ بمب اتم را دموکرات‌ها روی هیروشیما انداخته‌اند. کدام‌یک از دموکرات‌های امروز آن اقدام را محکوم می‌کنند؟ لذا فلسفه وجودی آمریکا، فلسفه سیاسی است که بر آمریکا حاکم و هدف آن برتری طلبی است. این سبب می‌شود عمیق‌تر نگاه شود و مراقب این هدف‌گیری‌ها باشیم و بدانیم فرق نمی‌کند ترامپ باشد یا بایان و تنها ادبیات و جملات آنها با هم فرق می‌کند.

علیرضا شیخ‌عطار، سفیر پیشین ایران در آلمان و قائم‌مقام سابق وزیر امور خارجه است که به تحلیل ابعاد فکری گفتمانی جریان تحریف در کشور که مورد اشاره رهبر انقلاب قرار گرفته، پرداخته است. مشروح این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید.

رهبر انقلاب در سخنان اخیرشان نکته جدیدی را مطرح کردند و گفتند به موازات تحریف، یک جریان تحریف هم وجود دارد که راه‌برون رفتن از مشکلات را بحث مذاکره با آمریکا مطرح می‌کند. درباره چرایی چنین هدف گذاری علی‌رغم رفتارهایی که از آمریکا دیده شده، ارزیابی شما چیست؟

به نظر من اهمیت صحبت‌های رهبری فراتر از این است که یک مصداق را در مسائل روزمره بگیریم و بررسی کنیم. به نظر من این صحبت‌هایی که ایشان کردند یکی از مبنایی‌ترین صحبت‌ها بود، به خصوص اگر در کنار برخی صحبت‌های دیگر که حالت شاخص داشته، بگذاریم می‌توانیم زودتر نتیجه بگیریم. مقام معظم رهبری در سخنرانی ۱۴ خرداد سال قبل بحثی را درباره پایداری و مقاومت مطرح کردند و تفاوت آن با آنها هم و حمله را توضیح دادند که بحث عمیقی بود و مناسفانه اندیشمندان کمتر برای تحلیل آن موضوع وقت گذاشتند؛ بحث رهبری این بود امروز هم نگرش به همان موضوع داشتند که در مقابل هر توطئه، قبل از تلافی و هجوم و تک و پانک مقابل باید استقامت داشت.

این استقامت چطور ایجاد می‌شود؟ مخصوصاً در برابر توطئه‌ای همانند تحریف که از جنس یک هجوم نرم است، یعنی امروز دشمن می‌داند که جنگ و هجوم سخت پرهزینه است، لذا دست به اقدام کم‌هزینه‌تر که تحریف است، می‌زند. همان‌طور که رهبری در صحبت‌های امروز بیان کردند، هدف از این تحریف به دست آوردن مردم است تا مقاومت را کنار بگذارند و تسلیم شوند و همچنین پیشرفت‌های علمی ما متوقف شود و کسی حوصله تعالی علمی نداشته باشد. برای این کار از طریق جنگ روانی اقدام می‌کنند که در ادبیات سیاسی یک مفهوم جا افتاده‌ای است؛ یعنی به جای استفاده از ابزارهای سخت از ابزارهای نرم برای از میان بردن روحیه و عصی‌کردن و تسلیم مردم استفاده می‌شود.

تحریف سخنان پیامبر اسلام (ص) توسط منافقین و یهودیان

ایشان به نکته مهمی اشاره کردند که یک تاکتیک مهم دشمن در این جنگ روانی، تحریف است. تحریف امری تاریخی و در زمان پیامبر اکرم(ص) هم این موضوع مطرح بوده است. دشمنان اسلام ام‌ع‌ا مشران و منافقان و یهودیانی که آن زمان بودند، سعی می‌کردند سخنان رسول اکرم(ص) را تحریف کنند تا مردم به‌خود دیگری آن سخنان را فهم کنند و به‌تدریج به آن چیزهایی که خودشان می‌خواهند، کشیده شوند.

امروز هم همین شیوه که هزاران سال در بین اهل ستم وجود داشته، وجود دارد؛ یعنی یک‌سری حقایق را وارونه و یک‌سری از آنچه را که رخ داده است، تحریف می‌کنند و در نتیجه روحیه استقامت مردم شکسته می‌شود.

حسن بهشتی پور پیشینه جریان تحریف در ایران را بررسی کرد

اولین کنش این جریان اتکابه خارجی‌ها برای کسب «استقلال» بود

نشان داده کسی باید بالای سر ایرانی‌ها باشد یا تازور بالای سر ایرانی‌ها نباشد کاری انجام نمی‌دهند و ایرانی‌ها نمی‌توانند کار تیمی انجام دهند؛ تمام این مصداق تحریفاتی است که امام آنها را رد کردند و در مقابل آن فرمودند، «ما می‌توانیم» یعنی ایرانی می‌تواند حکومت مستقل داشته باشد، حکومتی که شرق و غرب عالم را به لرزه بیندازد.

درباره بستر داخلی جریان تحریف تحلیل شما چیست؟

این تحریف بستر داخلی دارد؛ یعنی یک مجموعه رویدادها و مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد که دشمنان ملت ایران از این بستر استفاده و واقعیت را تحریف و شکل دیگری را القا می‌کنند؛ به این ترتیب به صورت مدیریت شده در راستای هدفی که برنامه‌ریزی کردند، جلو می‌روند. ما باید آگاهی‌بخشی ایجاد کنیم تا بدانیم وقتی می‌گوییم ما می‌توانیم یعنی ایرانی واقعا می‌تواند مستقل باشد و علیه استبداد و استکبار هم‌زمان بجنگد. ایرانی می‌تواند کار تیمی انجام دهد لذا امثال‌های نقیض‌زیادی مطرح است، اما متأسفانه در ایران به‌نداشته‌ها بیشتر آگاهی‌هم به داشته‌های خود آگاهی کمتری داریم.

جریان اصلاح‌طلبان و جریان احمدی‌نژادی در این روزها با حمایت از بایان سعی کردند این امر را القا کنند که دموکرات‌ها با جمهوری خواهان متفاوت هستند. تحلیل شما از این امر چیست؟ جریان اصلاح‌طلب و جریان آقای احمدی‌نژاد نمی‌توانند روی انتخابات آمریکا تاثیرگذار باشند و مولفه‌های تاثیرگذاری روی انتخاب رئیس‌جمهور آمریکا خارج از این کشور نیست. آمریکایی‌ها اخیراً در دوره ترامپ است که اصرار دارند بگویند روسیه و چین مداخله کرده است که این حرف عموماً برای بازار گرمی است.

این جریان سعی دارد به‌نوعی آمریکا را در داخل کشور بزرگ کند. ابتدا باید این واقعیت را در نظر گرفت که اصلاح‌طلبان و جریان آقای احمدی‌نژاد تاثیرگذار بر انتخابات آمریکا هستند یا خیر. بایان با ترامپ تفاوت دارد و این تفاوت در روش‌هاست. همان‌طور که ترامپ با اواما تفاوت داشت، اما اهداف برنامه‌ریزی‌های آنها یکسان است چون هدف آنها تأمین منافع آمریکا و سلطه آمریکا بر کشورهای دیگر است. رئیس‌جمهورهای آمریکا چه دموکرات باشند چه جمهوری خواه به دنبال تأمین منافع آمریکا و سلطه آمریکا هستند. البته نباید این تصور را هم داشته‌باشند که بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها تفاوتی نیست. حتماً باید توضیح داد روش‌ها و تاکتیک‌ها متفاوت است و یک‌جا ممکن است دستکش مخملی دست کند و در جایی دیگر ممکن است دست چندی را به ما نشان دهد.

حسن بهشتی پور، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و مدیر پیشین شبکه العالم در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی جریان تحریف در مقابل جریان تحریف و ترغندهای تاریخی و رسانه‌ای آنها پرداخت که مشروح این مصاحبه در ادامه می‌آید.

با توجه به اینکه رهبر انقلاب نکته مهمی را درباره جریان تحریف به موازات جریان تحریف فعال است مطرح کردند، نظر شما درباره چنین هدف گذاری برای تطهیر آمریکا علی‌رغم رفتارهایی که از این کشور دیده شده، چیست؟

موضوع تحریف یک مقدمه است، یعنی در شرایط تحریف، فضایی در جامعه ایجاد می‌شود که برای اینکه واقعیت‌ها را انعکاس ندهند، آن حقیقت و واقعیت‌ها را تحریف و شکلی از برداشت مدنظر خود را به مخاطب القای می‌کنند. موضوعی در رسانه‌ها تحت عنوان مدیریت برداشت یا ادراک مطرح است که این موضوع یک ترم عملیات روانی است؛ در این زمینه این صحبت مطرح است که چگونه طرز فکر جامعه تحت تاثیر قرار گیرد و این فکر را بتوانید در جنبه مثبت و منفی جهت دهید.

یعنی هدف گذاری اصلی جریان تحریف تغییر نگرش است؟

بله، تغییر نگرش درباره آن موضوعی که در جامعه رخ داده. ممکن است این موضوع مذاکره با آمریکا باشد یا بحث گرانی یا یک زمانی این باور خطرناک باشد که با اتکا به نیروی خارجی می‌توانیم مشکلات داخلی خود را حل کنیم.

اتکا به قدرت خارجی یکی از مواردی است که در طول تاریخ ایران همیشه مطرح بود که یک زمانی انگلیس با روسیه مقابله می‌کرد و گفتند با آلمان‌ها بندیم که در مقابل با این دو کشور ما را نجات دهد. برخی مواقع می‌گفتند با قدرت آمریکایی که تازه وارد کشور شده بودند، کنار بیایند که در برابر روسیه و انگلیس بیایستند.

این تفکر برای سال ۱۳۰۰ است لذا این نگرش که بخواهید به قدرت خارجی اتکا کنید تا استقلال به دست بیاورید باطل است.

قدرتمندان همواره دنبال این هستند که منافع خود را در کشور هدف تأمین کنند، اینک برای آزادی و دموکراسی کار کنند. آنها گاهی این تلقی را جا می‌اندازند که شما برای اینکه به خودکفایی اقتصادی برسید باید به قدرت خارجی اتکا کنید یا اگر می‌خواهید به استقلال دست بیاید باید قدرت خارجی را وارد کنید؛ این نوع تفکر نمونه تحریف در ابعاد مختلف است؛ نکته قابل توجه این است که این تحریف مربوط به اعتقادات و باورهای دینی نیست و در مسائل اقتصادی، فرهنگی، بنیادی هم وجود دارد. این تفکر که ایرانی می‌تواند بسیاری از مشکلات را خود حل کند یک باور مثبت است. باید این را جا بیندازند اما در مقابل می‌گویند تاریخ